



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: استعمال

تاریخ: ۷ مهر ۱۳۹۲

موضوع جزئی: مطلب دوم: حقیقت مجاز

مصادف با: ۲۳ ذی القعدة ۱۴۳۴

سال: پنجم

جلسه: ۱۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در اختلاف جماعتی با گروهی دیگر در بین مشهور بود. گفتیم کسانی که معتقدند مجاز عبارت است از استعمال لفظ در معنای غیر موضوعه، خود اینها اختلاف دارند که ملاک صحت این استعمال مجازی چیست؟ و مجوز چنین استعملی چیست؟ عرض کردیم عده‌ای معتقدند صحت استعمال مجازی مستند به وضع است اما در مقابل عده‌ای می‌گویند مستند به طبع و ذوق سلیم است. کلام محقق خراسانی و دلیل ایشان را ذکر کردیم و مورد نقد و بررسی قرار دادیم. معلوم شد دلیل ایشان تمام نیست، اما این به معنای ناتمام بودن اصل ادعای ایشان نیست؛ یعنی ما هم قبول داریم صحت استعمال مجازی متوقف بر طبع و ذوق سلیم است.

دلیل استناد صحت استعمال مجازی به ذوق سلیم:

ما یک مؤید یا دلیلی را در این رابطه می‌توانیم ذکر کنیم و آن در مورد اعلام شخصیه است. در اعلام شخصیه وقتی واضع لفظی را برای معنی وضع می‌کند، مثل اینکه پدری اسمی را برای فرزندش انتخاب می‌کند، در حین وضع و نام گذاری اصلاً توجهی به آینده ندارد که این بچه در آینده چه کاره خواهد شد، آیا اهل علم خواهد شد، یا اهل جود و سخاوت یا اهل خون ریزی؟ اما بعد که در آینده اشتها به یک وصفی پیدا می‌کند از آن لفظ در مورد کسانی که دارای آن وصف هستند استفاده می‌شود مثل لفظ «حاتم»، آن زمانی که پدر حاتم نام «حاتم» را برای فرزند خود انتخاب کرد اصلاً توجهی نداشت و نمی‌دانست که فرزندش در آینده اهل سخاوت خواهد شد، بعد که این آدم به یک شخص سخی و جواد تبدیل شد نام او برای هر کسی که اهل جود و سخاوت باشد استعمال می‌شود، یعنی از آن زمان تا کنون به کسی که جود و سخاوت داشته باشد «حاتم» می‌گویند و استعمال لفظ «حاتم» در اشخاص دیگر مجاز است ولی تناسبی بین این اشخاص و موضوعه وجود دارد که همان سخاوت و جود است، حال آیا واقعاً در این موارد می‌توان گفت واضع در این استعمال مجازی دخیل است و آیا واضع در حین وضع توجهی به این جهت داشته تا بخواهد در زمان وضع چیزی را لحاظ کند یا ترخیص صادر کند؟ اصلاً چنین چیزی نبوده، آنچه اتفاق افتاده این است که طبع و ذوق مردم که سلیم هم می‌باشد این گونه استعمال را صحیح می‌داند لذا یک استعمال مجازی صحیح خواهد بود که با پذیرش عرف و موافقتی که با طبع سلیم خودش حس کرده رواج پیدا می‌کند و اصلاً پای وضع و واضع و ترخیص واضع در کار نیست، اگر قرار بود صحت

استعمال مجازی متوقف بر وضع باشد قطعاً در این موارد نباید این استعمال صحیح می‌بود چون در این موارد قطعاً اذن و تریخی نیست و واضع چیزی را در هنگام وضع لحاظ نکرده است، پس این یک نقض محکمی است برای قائلین به دخالت واضع و وضع در صحت استعمال مجازی و یک مؤید محکمی است برای تبعیت استعمال مجازی از ذوق و طبع سلیم.

پس به نظر می‌رسد حق با کسانی است که قائل‌اند به اینکه صحت استعمال مجازی ربطی به وضع ندارد و متوقف بر ذوق عرفی و طبع سلیم است.

بررسی استناد صحت استعمال مجازی به وضع:

حال برای اینکه این بحث تکمیل شود باید ادعای گروه مقابل را که معتقدند صحت استعمال مجازی تابع ذوق سلیم نیست بلکه تابع وضع است را رد کنیم. ما در جلسه گذشته عرض کردیم اینکه بگوییم صحت استعمال مجازی متوقف بر وضع است به چه معناست؟ لذا نخست باید این مطلب تفسیر شود.

احتمالات:

منظور از اینکه گفته می‌شود صحت استعمال مجازی مستند به وضع است چیست؟ چند احتمال در این رابطه ذکر شد:

۱- یک احتمال این که منظور از توقف صحت استعمال مجازی بر وضع این است که واضع به وضع شخصی به گونه‌ای که لفظ و معنی هر دو معین باشند لفظ را برای معنای مجازی بخصوصه وضع کند، یعنی ابتدا لفظ «اسد» را برای حیوان مفترس که معنای حقیقی آن است وضع می‌کند ولی یک وضع دیگر هم اینجا صورت می‌دهد لکن این بار لفظ «اسد» را برای یک معنایی وضع می‌کند که این معنی خصوصیت دارد لکن نه خصوصیت از جنس اعلام شخصیه، به این معنی که واضع لفظ «اسد» را بخصوصه برای رجل شجاع وضع می‌کند یعنی خصوصیت شجاعت را در نظر می‌گیرد و لفظ «اسد» را برای آن وضع می‌کند، به این اعتبار به این وضع، وضع شخصی گفته می‌شود که معنای آن خصوصیت دارد و مثل «زید» که برای هیكل خارجی وضع می‌شود نیست، البته ممکن است کسی در همین جا هم بگوید این وضع شخصی نیست بلکه نوعی است اما ما نام آن را به اعتباری که عرض کردیم وضع شخصی می‌گذاریم، پس در وضع شخصی واضع یک علاقه خاص را در نظر می‌گیرد که در مثال مذکور مشابهت «رجل شجاع» با «اسد» در شجاعت است و لفظ «اسد» را برای «رجل شجاع» وضع می‌کند.

۲- احتمال دوم این که واضع الفاظ را برای هر معنایی که علاقه‌ای (یکی از علاقات بیست و پنج گانه مذکور در باب معانی و بیان) نسبت به معنای موضوع له داشته باشد وضع می‌کند.

فرق این احتمال با احتمال قبلی این است که در احتمال اول واضع خصوصیت یک علاقه‌ای را ملاحظه می‌کند و لفظ را برای آن علاقه مخصوصه قرار می‌دهد ولی در احتمال دوم لفظ را برای علاقه مخصوصی قرار نمی‌دهد بلکه می‌گوید هر

نوع علاقه‌ای که از علاقات بیست و پنج گانه باشد لذا معنی خصوصیت ندارد و به همین جهت ما نام اولی را وضع شخصی و دومی را وضع نوعی گذاشتیم گرچه احتمال اول هم خودش می‌تواند وضع نوعی باشد.

۳- احتمال سوم این که واضع اذن داده این لفظ در این معنی بکار رود.

آنچه به نظر می‌رسد و ظاهر کلمات قائلین به قول اول (استعمال مجازی مستند به وضع است) بر آن دلالت دارد احتمال سوم است، یعنی احتمال اول و دوم منظور این گروه نیست، بلکه منظور آنها از اینکه می‌گویند استعمال مجازی مستند به وضع است این است که واضع اجازه داده شما مثلاً لفظ «اسد» را که برای معنای حیوان مفترس وضع شده در معنایی که یکی از علاقات بیست و پنج گانه مذکور در باب معانی و بیان را دارد استعمال کنید. البته منظور این نیست که واضع یک وضع دومی دارد، به این نحو که یک بار مثلاً لفظ «اسد» را برای حیوان مفترس وضع کند و بار دیگر این لفظ را برای رجل شجاع وضع کند آن هم به صورت اشتراک لفظی که دارای دو وضع باشد بلکه واضع یک وضع بیشتر ندارد و آن هم به این صورت است که لفظ «اسد» را برای حیوان مفترس وضع کرده اما از ابتدا یک اذن عام داده و یک چارچوبی مشخص کرده و گفته اگر بین این معنی و معنایی دیگر، مناسبتی از این مناسبات بیست و پنج گانه وجود داشته باشد اجازه دارید این لفظ را در آن معانی هم استعمال کنید، فرق احتمال سوم با دو احتمال قبلی این است که در احتمال اول و دوم واضع به وضع ثانوی (وضع شخصی یا نوعی) لفظ را برای معنای دیگر وضع می‌کند اما در احتمال سوم وضع دومی در کار نیست، یعنی یک لفظ دو بار وضع نمی‌شود بلکه فقط یک بار برای معنای حقیقی خودش وضع می‌شود و واضع در کنار آن اذن می‌دهد که می‌توانید این لفظ را در معنای دیگری که نسبت به این معنای حقیقی علاقه‌ای از علاقات بیست و پنج گانه داشته باشند استعمال کنید، لذا مشترک لفظی نیست و وضع ثانوی محسوب نمی‌شود.

پس احتمال اول و دوم منتفی است چون با ظاهر کلمات قائلین به این قول سازگار نیست. منظور قائلین این قول قطعاً احتمال اول و دوم نیست و هیچ جا قرینه و نشانه‌ای پیدا نمی‌شود که قائلین به این قول معتقد باشند در مجاز یک وضع ثانوی صورت گرفته باشد در حالی که طبق احتمال اول و دوم وضع ثانوی صورت گرفته، لذا احتمال اول و دوم مخالف ظاهر کلمات قائلین این قول است و موجب انکار مجاز رأساً می‌شود، چون اگر قرار باشد مجاز هم ناشی از وضع باشد این مخالف با تقسیم استعمال به استعمال حقیقی و مجازی خواهد بود و استعمال در غیر ما وضع له نخواهد بود چون مجاز به استعمال لفظ در غیر ما وضع له تفسیر شد، حال اگر قرار باشد طبق احتمال اول و دوم، مجاز هم مستند به وضع واضع باشد پس استعمال مجازی استعمال در غیر موضوع له نخواهد بود بلکه استعمال لفظ در یک موضوع له ثانوی خواهد بود، شما اگر لفظ «عین» را که دارای هفتاد معناست در هر یک از آن معانی استعمال کنید، استعمال مجازی نخواهد بود، چون استعمال لفظ «عین» در هر یک از معانی خودش، استعمال در موضوع له است؛ مثلاً استعمال لفظ «عین» در «عین باکیه» و «عین جاریه» حقیقی است و همین طور است استعمال آن در معانی دیگرش، یعنی استعمال عین در همه معانی استعمال حقیقی و استعمال در موضوع له است، پس وقتی استعمال لفظ مشترک این گونه است در ما

نحن فیه هم به هر نحوی که ما معتقد شویم واضع در مجاز یک وضع ثانوی دارد، یعنی یک بار لفظ را برای معنای حقیقی اش وضع می‌کند و برای بار دوم همین لفظ را برای معنایی که مناسب با معنای حقیقی است وضع می‌کند یا به وضع شخصی یا به وضع نوعی، بالاخره بحث این است که در این صورت معنای دوم هم معنای موضوع له خواهد بود، پس همه استعمالات مجازی استعمال فی ما وضع له محسوب خواهند شد در حالی که خود قائلین به قول اول گفتند استعمال بر دو قسم است؛ استعمال حقیقی که استعمال در ما وضع له است و استعمال مجازی که استعمال در غیر ما وضع له است.

نتیجه بحث این شد که اگر ما استعمال مجازی را مستند به وضع بدانیم سه احتمال وجود دارد که دو احتمال از این سه نمی‌تواند منظور باشد؛ یکی اینکه لفظ به وضع شخصی برای معنای مجازی وضع شود و دیگری اینکه لفظ به وضع نوعی برای معنای مجازی وضع شود، عرض کردیم این دو احتمال از اساس باطل است؛ زیرا: اولاً: مخالف ظاهر کلمات قائلین به قول اول است، ثانیاً: نتیجه این دو احتمال این است که به طور کلی استعمال مجازی نفی شود و همه استعمالات، حقیقی و استعمال در موضوع له باشند، لذا با رد احتمال اول و دوم مشخص می‌شود که احتمال سوم صحیح است، یعنی منظور قائلین به قول اول که می‌گویند استعمال مجازی متوقف بر وضع است این است که استعمال مجازی متوقف بر اذن و ترخیص واضع است.

پس ما تا اینجا تلاش کردیم سخن قائلین به قول اول که می‌گویند صحت استعمال مجازی مستند به وضع است را از ابهام خارج کنیم و به این نتیجه رسیدیم که منظور این گروه از استناد استعمال مجازی به وضع، وضع این استعمال به وضع شخصی یا نوعی از طرف واضع نیست بلکه منظورشان این است که واضع اذن و ترخیص داده که هر کسی بخواهد لفظ را در غیر معنای موضوع له خودش استعمال کند باید در چارچوب علاقات بیست و پنج‌گانه معهوده باشد.

بورسی:

اما اشکال این احتمال (احتمال سوم) این است که:

اولاً: ما هیچ دلیل و شاهد و مؤیدی بر این مطلب نداریم و در هیچ موردی گزارش نشده و نقل نشده که چنین اجازه و اذنی از طرف واضع داده شده باشد، بالاخره اگر چنین چیزی بود باید این اجازه و ترخیص نقل می‌شد در حالی که چنین چیزی اصلاً نقل نشده است.

ثانیاً: ما وقتی وظیفه واضع را تحلیل می‌کنیم و عملیات وضع را مورد سنجش قرار می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که واضع یک کار بیشتر ندارد و آن هم وضع لفظ برای معناست و بقیه امور جزء وظایف واضع نیست، به همین جهت ما نمی‌توانیم ادعا کنیم صحت استعمال مجازی متوقف بر اذن واضع است، بلکه اگر این استعمال به وظیفه واضع مربوط می‌شد طبیعتاً صحت این استعمال را باید در آن چارچوب جستجو می‌کردیم، لذا اگر از واضع سؤال کنیم آیا شما اجازه می‌دهید این لفظ را در غیر معنای ما وضع له آن استعمال کنیم، می‌گوید: این کار به من مربوط نیست بلکه وظیفه من این بوده که لفظی را برای معنایی وضع کنم تا شما بتوانید تفهیم و تفهّم کنید و بقیه امور جزء وظایف من نیست.

نتیجه کلی:

پس استعمال مجازی متوقف بر اذن واضح نیست بلکه این عرف است که تناسب بین معنای حقیقی و مجازی را می‌سنجد و لفظ را در معنای غیر ما وضع له استعمال می‌کند. بنابراین استعمال مجازی تابع اذن واضح نیست بلکه حق این است که صحت استعمال مجازی مستند به طبع و ذوق سلیم است لذا اگر استعمال مجازی مستند به طبع شد محصور به علاقات بیست و پنج‌گانه مذکور در علم معانی و بیان نخواهد بود بلکه هر جایی ذوق سلیم بیسندد لفظ در معنای مجازی استعمال خواهد شد ولو اینکه خارج از علاقات بیست و پنج‌گانه معهوده از قبیل، علاقه سببیت، مشابهت، حال و محل باشد و هر جا هم عرف نپسندد استعمال لفظ در معنای مجازی صحیح نخواهد بود ولو آنکه علاقات مذکور هم باشد. شاهد بر این مطلب هم این است که یکی از علاقه‌ها، علاقه حال و محل است که اسم محل را روی حال می‌گذارند، حال فرض کنید شخصی را که دائماً بر الاغی سوار است که حال روی الاغ است، حال اگر علاقه حال و محل موجب صحت استعمال مجازی باشد باید بتوان به صورت مجازی به آن شخص گفت: «الاغ» در حالی که ذوق سلیم این را نمی‌پسندد و به کسی که دائماً بر الاغ سوار باشد، الاغ گفته نمی‌شود، پس با اینکه علاقه وجود دارد ولی ذوق سلیم چنین استعمالی را نمی‌پسندد. آنچه تا کنون مورد بحث قرار گرفت اختلاف اول بود که بین خود مشهور واقع شده بود.

بحث جلسه آینده: اختلاف دوم که بین مشهور و غیر مشهور در باب مجاز واقع شده را انشاء الله در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»